

وقتی مشتری مشکل دارد ...

پرومود باترا

مامک بھادرزادہ



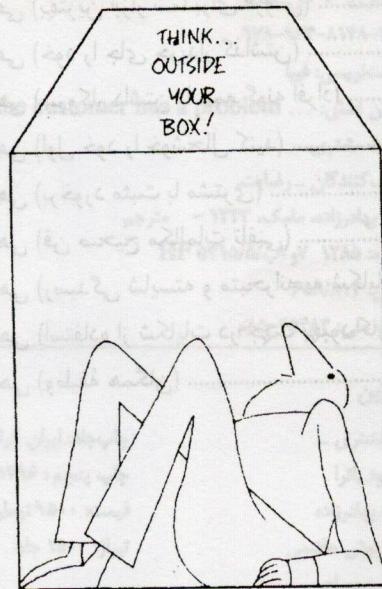
فهرست

۷	مقدمه
۱۳	سرویس دهی (بهترین ابزار شما برای فروش)
۲۰	سرویس دهی (خود را جای خریدار گذاشتن)
۲۶	سرویس دهی (سروکار داشتن با همه گونه افراد)
۳۸	سرویس دهی (اول خود را خوشحال کنید)
۵۰	سرویس دهی (برخورد مثبت با مشتری)
۶۲	سرویس دهی (فن صحیح مکالمات تلفنی)
۶۶	سرویس دهی (رسیدگی شایسته و مت Bharانه به شکایات) ...
۷۶	سرویس دهی (استفاده از شکایات در جهت بهبود کار خود)
۸۶	سرویس دهی (وظیفه همگان)

مقدمه

در سال ۱۹۶۳، موتورسیکلتی از یک فروشندۀ عمدۀ خریدم. فروشندۀ بدون اینکه کلمه‌ای در مورد جنبه‌های خدماتی کالا برایم توضیح بدهد، موتور را تحويلم داد. در مسیر خانه، هنوز یک کیلومتر از فروشگاه دور نشده بودم که موتور از کار افتاد. تلاشم برای روشن کردن مجدد آن با شکست مواجه شد. رهگذری که سنس از من بیشتر بود از آنجا می‌گذشت. در باک بنزین را برداشت و گفت که کاملاً خالی است. مجبور شدم حدود دو کیلومتر تا نزدیکترین پمپبنزین موتور را با خودم بکشم. در حالی که در طول راه یکریز به فروشندۀ بدوبیراه می‌گفتم که چرا حداقل یک لیتر بنزین توی موتور نریخته است. می‌توانست پولش را با من حساب کند یا حداقل اطلاع می‌داد که موتور خالی است. این عذاب الیم به همینجا خاتمه نیافت. چند ماه نگذشته، موتورسیکلت دیگر روش نمی‌شد. این بار همسایه من گفت که احتمالاً باتری اش خالی شده است چون من آب مقطر به

فراتر از چهارچوبهای اطراف خود فکر کنید.



باید فیلی باهوش باشید تا بتوانید

دلست به کارهای ساده بنزیند!

آن نیفزودهام. پس چرا دوست فروشنده من هنگام فروش
چیزی در این باره نگفت؟!

چرا سازندگان، به این موضوع توجه نمی‌کنند که آیا
مشتری، شیوه استفاده و نگهداری از کالای خود را بد است
یا خیر. چرا عمدۀ فروش و خردۀ فروش به موضوعات کوچکی
که می‌تواند برای مشتریانشان بسیار آزاردهنده و خشم‌آور باشد
اهمیت نمی‌دهند؟ این به احتمال زیاد نتیجه یک بازار
حمایتشده دولتی و نبود رقابت واقعی است. اما چنین
وضعیتی در حال حاضر به سرعت در حال تغییر است.
سرمیس دهی به عامل تعیین‌کننده مهمی در موقیت و
شکست شرکت‌ها تبدیل شده است. این امر فقط محدود به
بخش‌های خدماتی بسیار معروف از جمله تحويل پیتنا به در
منازل گرفته تا هتل‌های پنج ستاره و خدمات اینترنتی و
بیمارستان‌های بسیار پیشرفته تکنیکی که بیش از محصول،
سرمیس دهی ارائه می‌دهند نمی‌شود.

تجار و کاسپیان این دوره‌زمانه چه بخواهند چه نخواهند،
باید سرمیس دهی و خدمات را جدی بگیرند. آنها باید
صرف‌نظر از هر کسی که دارند، تشکیلاتشان را در جهت

همه می‌توانند بزرگ و مهم باشند. زیرا همه قادر به فدمت
کردن هستند. برای فدمتگذاری نیازی به تمثیلات دانشگاهی
نیست ... نیازی به شناخت افلاطون و ارسسطو ... یا دانستن
تئوری نسبیت اینشتین نیست. فقط کافی است قلبی مالامال
از متانت و بزرگواری داشته باشی. (وهمی نشات گرفته از عشق.
مارتن لوترکینک"

